

جمع آوری کرده اند و ثالثاً بجزّ خوش و خوانا بنویسند که در موقعش
علمای علم اساطیر فرنگ نیز بتوانند از آن استفاده بکنند.

تالیفات استاد آرتور کریستنسن

آنچه بزبان فرانسه نوشته اند :

- ۱ - تحقیقات در بارهٔ ربا عیات خیّام در سال ۱۹۰۴
- ۲ - سلطنت ساسانیان. کپنهاگ ۱۹۰۶
- ۳ - هجّه معمول در سمنان. کپنهاگ ۱۹۱۵
- ۴ - حکایتهای ایرانی در زبان عوام « ۱۹۱۸
- ۵ - خواص آیات : بعضی یادداشتها و اقتباسها از یک کتاب خطی فارسی
راجع به اعجاز آیات قرآن. کپنهاگ ۱۹۲۰
- ۶ - بعضی کتابهای خطی بزبان اوسیتی « ۱۹۲۱
- ۷ - لهجه های آوروومان (۱) و پاوه (۲) (این کتابرا به همقامی آ. مایر
بینه دیکتسن تالیف کرده اند) (مطالعات فرنگی)

میزنند و هم قصه میخوانند و مخصوصاً در شروسبیهای دهاتبان آنانرا دعوت میکنند
در آذربایجان و قفقاز «عاشق» مینامند جمع آوری کرده برای ما بفرستد ما دوره
سال اول مجله را برای او مجاناً تقدیم خواهیم کرد بشرط اینکه همانطور که شنیده
باشند بنویسند.
ایران‌شهر

(1) Recherches sur les Ruba'ijat d'Omar Khayam, Heidelberg 1904.

(2) L'Empire des Sassanides, Kopenhagen 1906.

(3) Le Dialéct de Sämnän, Kopenhagen 1915.

(4) Contes persans en langue populaire, Kopenhagen 1918.

(5) Xawäs-i-ajat, Kopenhagen 1920.

(6) Textes ossètes, Kopenhagen 1921.

(7) Les Dialects d'Awromän et de Pavä.

(۱) آوروومان محلی است در شمال غربی سمنندج که اهالی آنجا زبانی حرف میزنند
که نه فارسی و نه کردی است ولی یک لهجه ایست از نژاد زبان ایرانی. [آوروومان

آنچه بزبان داتمارکی نوشته اند :

۱ - چیزی از عهد سامانیان . ۲ - قصاید در باری و در بار شعرادر نزد
ایرانیان . ۳ - افسانه بهرام چوین ، ۴ - شعرا و متفکرین اسلامی :
(ابوالعلاء معری ، ابن سینا ، ناصر خسرو ، فریدالدین عطار ، عمر خیام
و سعدی) . ۵ - صنعت طبابت در نزد ایرانیان . ۶ - در آسوی در یای
خزر ، سیاحتنامه بایران و ترکستان . ۷ - سه برادر و دو برادر (افسانه
سام و حام و یافت و یاسلم و تور و ایرج در نزد ایرانیان و افسانه رو مولوس
و رو موس نزد رومانیان) . ۸ - کاوه آهنگر و بیرق قدیم ایرانیان . ۹ -
رباعیات خیام با ترجمه منظوم .

استاد محترم علاوه بر این تألیفات بعضی کتابها هم راجع بمسائل
سیاسی و علم روح عوام نوشته اند که اغلب آلمانی و انگلیسی ترجمه
شده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در واقع اوورمان تلفظ میشود که گویا تحریف شده لفظ عبد الرحمان است که اسم
رئیس اولی قبیله او و رمان بوده است و زبان آنها را هم اوورمانی مینامند « ایرانشهر » [
(۲) پاوه چنانکه مؤلف کتاب ذکر کرده یک شعبه ایست از لهجه اوورمانی ولی
بعضی خصایص ادبی دارد . خیلی جالب دقت است که در ضمن چند نمونه از لهجه پاوه‌ئی
که « ایربنه دیکتسن » جمع آوری کرده یک حکایتی هست بعنوان « حکایت کلبله
و دمنه منظوم » و از قراریکه پروفیسور کریستنسن تحقیق کرده این حکایت نه در ترجمه
عربی کلبله و دمنه و نه در نسخه انوار سهیلی موجود است ازینجا پروفیسور مذکور استنباط
میکند که در اصل یک ترجمه منظوم از کلبله و دمنه در لهجه پاوه موجود بوده که بعضی
حکایات بر آن افزوده بوده اند و ازین روهم میتوان گفت که پاوه یک لهجه کوچک
ساده نبوده است .

